



# اعلان از اپنی فضا و ت!

نگاهی

به داوری های

۱۹ دوره

جشنواره فیلم فجر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

## همه قربانی کیارستمی!

ایران را رقم زدند. سینمایی جشنواره‌پسند با حرکتی متظاهرانه و نجسب به سوی مضامین عرفانی؛ آن هم با رویکردی روشنفکرانه، پس از موفقیت خانه دوست کجاست سینمای ایران ملو شد از روشنفکرانی که می‌خواستند با ساخت فیلم‌های عرفانی موفقیت در جشنواره‌های داخل و خارج را یکجا به دست بیاورند. حرکتی که در دراز مدت منجر به بی‌توجهی به بی‌افکنی شالوده‌های یک سینمای حرفه‌ای و ملی در ایران شد.

اما قصه سال ۶۵ هنوز ادامه دارد. اگر اهدای جایزه بهترین فیلم به خانه دوست کجاست را ناشی از گرایش‌های اخلاق‌گرایانه و ادبی آقایان مهاجرانی و دوستان بدانیم، اهدای جایزه بهترین کارگردانی به عباس کیارستمی دیگر یک ظلم واقعی به ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی،

۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۵، جشنواره فجر طلیعه ورود سینمای ایران به دوران اوج و شکوه است.

تعداد فیلم‌های خوب و حتی بسیار خوب بیش از حد تصور است. ناخدا خورشید، اجاره‌نشین‌ها، شیر سنگی، دستفروش، پرواز در شب، شیخ کزدم و البته خانه دوست کجاست؟

در آن دوره برای اولین بار رقابت برای کسب جوایز به جدی‌ترین شکل ممکن انجام شد.

ناخدا خورشید تقوایی گل سرسید فیلم‌های آن سال بود. فیلمی محکم، با کارگردانی سنجیده و بازی‌های درخشان (هرچند ریتم کند و فیلمبرداری



محسن مخملباف و مسعود جعفری جوزانی بود. می‌گویند تاریخ بهترین قاضی است. در این مورد خاص و پس از گذشت ۱۵ سال می‌توان با صراحت گفت که تاریخ با قاطعیت در محکومیت آن داوران رای داده است.

### پرخاشگری ممنوع

۰ در سال ۱۳۶۸، مسعود کیمیایی یکی از بهترین فیلم‌های دوران فیلمسازی‌اش را ساخت. دندان مار، یکی از معدود فیلم‌های متعلق به سینمای اجتماعی ایران در دهه ۶۰ بود. فیلم به سبک آثار کیمیایی، همچنان از شکاف‌های روایتی رنج می‌برد اما بی‌تردید یکی از منسجم‌ترین و زنده‌ترین فیلم‌های کارنامه کیمیایی است. به خصوص دو بازی بسیار درخشان از گلچهره سجادیه (در نقش زیور) و فرامرز صدیقی در فیلم به چشم می‌خورد که مایه آبرو و اعتبار آن است. اما وقتی به فهرست برنده‌ها و نامزدهای آن دوران جشنواره نگاه می‌کنیم، هیچ اثری نه از دندان مار می‌بینیم و نه از بازی‌های درخشان بازیگرانش.

گویی داوران جشنواره اصلاً چنین فیلمی را ندیده‌اند. از یک سو می‌توان برای داوران آن دوره عذرهای موجهی نیز لحاظ کرد. سال ۶۸، یکی از سال‌های خوب و غنی جشنواره فجر بود که با ازدیاد آثار خوب و دیدنی روبه‌رو بودیم؛ هامون، مهاجر و مادر. اما وقتی به فهرست نامزدهای دریافت جایزه بهترین فیلم‌های جشنواره می‌نگریم و نام فیلم‌هایی چون ساوالان، جستجوگر و کلوزآپ را می‌بینیم و اثری از دندان مار نمی‌بینیم، حق داریم انگشت حیرت بگزیم! حتی نام کیمیایی در میان ۵ نامزد کارگردانی هم نیست (مهرجویی، حاتم‌کیا، کیارستمی، متوسلانی و صمدی).

اینکه جایزه بهترین فیلم به مهاجر و بهترین کارگردانی به مهرجویی

بد مهرداد فخریمی از نقطه ضعف‌های آن به شمار می‌آمدند. ناخدا خورشید در گذر ۱۵ سال، همچنان ارزش‌های خود را حفظ کرده و از پس غبار زمان سرفراز بیرون آمده است.

اجاره‌نشین‌های مهرجویی دیگر فیلم مطرح آن سال بود. یک کم‌دی دیوانه‌وار که به شکل حیرت‌انگیزی خنده‌دار بود (و هنوز هم خنده‌دار است) و با توجه به سابقه مهرجویی در ساخت فیلم‌های روشنفکران همه تماشاگران را به تکاپو انداخته بود تا از مجموعه رنگارنگ شخصیت‌ها و وقایع فیلم نمادهای سیاسی - اجتماعی بیرون بکشند. فیلمنامه دقیق، کارگردانی عالی و بازی‌های خوب انتظامی و اکبر عبدی از دیگر امتیازات این فیلم بودند.

مسعود جعفری جوزانی بعد از اولین تجربه سینمایی‌اش - جاده‌های سرد - با فیلمی حماسی و وسترن‌گونه به سینما بازگشته بود. با فیلمنامه‌ای هندسی و پر از جزئیات و با اصول کامل درام‌پردازی و بازی‌های درخشان دو استاد بازیگری (انتظامی و نصیریان).

و بالاخره دستفروش محسن مخملباف، فیلمی سوررئالیستی و ایزودیک با گذرهای زمانی متناوب به دنیای خیال و واقعیت که با اعتماد به نفس در خور، کارگردانی شده بود.

اما... اما جایزه‌های بزرگ به جایی دور از دسترس این چهار فیلم رفت. هیات داوران شامل عطاءالله مهاجرانی نازک‌خیال، منوچهر محمدی، منوچهر عسگری نسب و کریمیان، چشم بر شایستگی‌های حرفه‌ای این چهار فیلم بستند و جایزه‌های اصلی را تقدیم به عباس کیارستمی و فیلم عارفانه و اخلاق‌گرایانه‌اش، یعنی «خانه دوست کجاست؟» کردند.

اینست آن شاخه گل سپید در نظر دوستان داور، چنان معمای ژرف و پنهانی داشت که تمام وظایف حرفه‌ای خود به عنوان داور را فراموش کردند و به قضاوتی نا به هنجار نشستند. آنها جایزه ویژه بهترین فیلم را به خانه دوست کجاست؟ دادند و به نوعی مانیفست سینمای آینده

برای هامون تعلق گرفت، جای اعتراض چندانی باقی نمی‌گذارد، اما حجم بی‌اعتنایی شگرف داوران به دندان مار حیرت‌انگیز است. گویی دوستان آنچنان غرق در تمجید و تحسین دستمایه‌های روشنفکرانه هامون بودند که فراموش کردند میمیارهای داوری خود را مورد بازیابی قرار دهند. فضای تلخ و لحن ستیزه‌جویانه دندان مار به نظر دوستان داور خوش نیامده بود. هرچه باشد آن روزگار، دوران فیلم‌های شبه‌عرفانی بود. (هنوز بیانیه عجیب هیأت داوران در روز پایانی جشنواره از خاطره‌ها زدوده نشده. وقتی سیف‌الله داد از هامون به خاطر ترویج فرهنگ علی‌خواهی تمجید کرد، در نگاه دوباره به فیلم هامون و با در نظر گرفتن تمام معایب و محاسن این فیلم، تعبیر سیف‌الله داد از این فیلم دور از ذهن‌ترین تفسیر ممکن است.)

جاذبه هامون آن چنان افزون بود که حتی

○ سال ۱۳۷۴، سیف‌الله داد با فیلم بازمانده در جشنواره حضور دارد. فیلم هر امتیازی نداشته باشد، از یک کارگردانی سبک‌مدارانه و استادانه برخوردار است، اما نام سیف‌الله داد در میان ۴ نامزد عنوان بهترین کارگردان نیست. پوراحمد (خواهران غریب)، ملاقلی پور (سفر به جزایه)، مخملباف (گبه) و مجیدی (پدر) نامزدهای دریافت این عنوان بودند. داوران آن دوره عبارت بودند از جعفری جوزانی، رجبی، سینایی، سمندری و طالب‌زاده.

○ در سال ۷۶، بازی خوب فریبرز عرب‌نیا در فیلم سلطان مورد انتقاد داوران جشنواره قرار نگرفت و نامی از آن در میان ۵ نامزد عنوان بهترین بازیگر نیز به چشم نمی‌خورد. داوران آن سال ابوالفضل پورعرب را برای فیلم مردی شبیه باران مستحق دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد



پس از پایان جشنواره منتقدین همه زبان به تحسین فیلم گشودند. فقط یک سال بعد و پس از فرو خوابیدن تب جشنواره بود که همان منتقدین متوجه ارزشهای فیلم دندان مار شدند و در نظرخواهی انتخاب بهترین فیلم سال، دندان مار را با اختلاف آرای بسیار زیاد نسبت به هامون، به این عنوان برگزیدند.

در زمینه بازیگری این ظلم و اجحاف به شکل آشکارتری به چشم می‌خورد. عزیزان داور، چشم به بازی‌های فرامرز صدیقی و گلچهره سجادیه بستند و جایزه خود را به خسرو شکیبایی، رقیه چهره‌آزاد (مادر) و بیتا فرهی دادند! سیف‌الله داد، فرهاد صبا، منوچهر عسگری نسب و هوشنگ کامکار داوران جشنواره هشتم فجر بودند.

### چند قضاوت درخشان دیگر

○ در سال ۶۹ در حضور فیلم‌هایی مثل پرده آخر و عروس، هیأت داوران جایزه بهترین فیلم جشنواره را تقدیم به آپازتمان شماره ۱۳ کردند!

○ در سال ۶۷، محمدرضا بزرگ‌نیا فیلم استادانه‌ای به نام کشتی آنجلیکا می‌سازد. فیلمی که در نما نمای آن زحمت و تلاش طاقت‌فرسای کارگردان به چشم می‌خورد. اما تب فیلم‌های عارفانه آن دوران آن چنان داغ بود که داوران عزیز به راحتی چشم بر ارزش‌های آن بستند. فیلم کشتی آنجلیکا به راحتی و البته در یک داوری معقولانه می‌توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلم سال ۶۷ را از آن خود کند. حتی اگر عنوان بهترین فیلم را با توجه به نقش الگودهی آن در حرکت سینما، برای این فیلم مناسب ندانیم، جایزه بهترین کارگردانی حق مسلم محمدرضا بزرگ‌نیا بود. اما هیأت داوران جایزه بهترین فیلم را به در مسیر تنبذاد ساخته جعفری جوزانی دادند (به این بهانه که فیلم در رشته‌های بیشتری نامزد دریافت جایزه بوده است) و جایزه بهترین کارگردانی به محسن مخملباف برای فیلم بابیسکل‌ران رسید!

○ در سال ۷۸، داریوش ارجمند بازی دینامیک و پراحساسی را در نقش امیرعلی فیلم اعتراض انجام می‌دهد، اما جایزه دور از دسترس او به فرامرز قریبیان برای فیلم مرد بارانی می‌رسد.

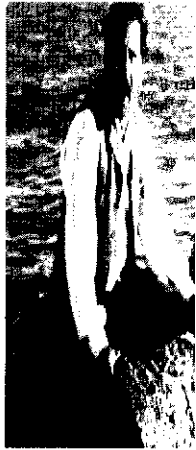
○ نیکی کریمی در دوره‌های مختلف جشنواره نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر زن بوده، اما هر بار به دلایلی عجیب جایزه از دسترس او دور ماند. در سال ۷۱، بازی خوب او در سارا، او را یکی از مدعیان دریافت جایزه اول بازیگری قرار می‌دهد، اما در رقابتی میلیمتری جایزه را به فاطمه معتمدآریا برای فیلم یکبار برای همیشه می‌بازد. سال ۷۷، بازی او در دو زن به گونه‌ای است که همه او را مستحق عنوان بهترین بازیگر زن می‌دانند، اما داوران در چرخشی شگرف، جایزه را به هدیه تهرانی برای بازی زیرپوستی و درونگرایی‌اش در فیلم قرمز می‌دهند.

بالاخره در سال ۷۹، بازی او در فیلم نیمه پنهان، بی‌تردید مستحق دریافت سیمرغ بلورین است، اما باز معلوم نیست بر اثر چه فعل و انفعالاتی سیمرغ بر دوش ثریا قاسمی برای فیلم مارال می‌نشیند. ○ میترا حجار بی‌تردید بازیگر خوبی است، اما سیمرغ بلورین او در سال ۷۸ بیش از قابلیت‌های بازیگری‌اش مرهون عدم وجود هیچ رقیب جدی برای او بود. او در این سال با دو فیلم اعتراض و متولد ماه مهر حضور داشت که در نهایت بازی متوسط او در متولد ماه مهر (به‌خصوص بازی نامتوازن او در نیمه اول این فیلم) یک سیمرغ بلورین سهل و آسان را برایش به ارمغان آورد.

○ در میان بازیگران مرد، فرامرز قریبیان با سه سیمرغ بلورین (برای ترن، بندر مه‌آلود و مرد بارانی) مرد خوش اقبال عرصه بازیگران است. در میان بازیگران زن، فاطمه معتمدآریا با چهار سیمرغ (دو سیمرغ نقش اول برای همسر و یکبار برای پدر) همیشه و دو سیمرغ نقش دوم برای بزهوت و مسافران) یکه‌تاز است. بازی‌های او همیشه مورد توجه داوران جشنواره قرار گرفته است.



○ جایزه عجیب حسین عابدینی برای فیلم باران از شگفتی های جشنواره فجر نوزدهم بود. این نابازیگر جوان در برابر چندین بازیگر حرفه ای عنوان بهترین بازیگر مرد را به دست آورد و موجب پدیده مدن موجی از انتقادات از هیات داورى شد. به نظر آنان با هر مقياسی داوران حق نداشتند سيمرغ بلورين بهترین بازیگر را آن هم در حضور چندین چهره سینمای حرفه ای، به یک نابازیگر جوان بدهند. اما می توان با صراحت با چنین استدلالاتی مخالفت نمود. در همان سال و بیست روز پس از اعلام جوایز جشنواره فجر، انجمن منتقدین انگلیس بازیگر نوجوان فیلم بلی الیوت را به عنوان بهترین بازیگر سال (و فراتر از کوین اسپسی و جورج کلونی) برگزید.



### استثنا!

بهترین و منطقی ترین داوری ها در ۱۹ دوره جشنواره فیلم فجر را می توان در سال های ۷۰ و ۷۱ مشاهده کرد. در سال ۱۳۷۰، داوران جشنواره شامل بهروز افخمی، سیف الله داد، مسعود جعفری جوزانی، خسرو سینایی و فرهاد صبا در یکی از شلوغ ترین سال های جشنواره از لحاظ تعداد فیلم های خوب به نوعی جوایز را تقسیم کردند که اعتراضی از احدی برنخواست. جایزه بهترین فیلم به نیاز رسید که به نوعی همخوانی با سیاست های اخلاقی و آرمانگرایانه روز سینما داشت و می توانست فیلم الگو محسوب شود. جایزه بهترین کارگردانی به رخشان بنی اعتماد رسید برای فیلم ترگس. جایزه ویژه هیات داوران هم نصیب مسافران بهرام بیضایی شد. افخمی

پس از پایان جشنواره علت تخصیص جایزه ویژه داوران به بیضایی را بالاتر بودن شان بیضایی از جوایز مرسوم دانست.

یک سال بعد، در سال ۱۳۷۱، داوران جشنواره، شامل شهید سیدمرتضی آوینی، عزت الله حمیدنژاد، عزت الله انتظامی، سیدمهدی شجاعی و اسکندربار شهیدی، به شکل خردمندانه و عادلانه ای به تقسیم جوایز پرداختند. جایزه بهترین فیلم به از کرخه تا راین ساخته ابراهیم حاتمی کیا رسید. هرچند تخصیص این جایزه از سوی یکی دیگر از داوران - سیدمهدی شجاعی - مورد اعتراض شدید قرار گرفت و می توان حدس زد که در اعطای جایزه بهترین فیلم جلد های فراوانی در هیات داوران وجود داشته و احتمالاً نفوذ و اتوریته سیدمرتضی آوینی موجب انتخاب از کرخه تا راین به عنوان بهترین فیلم جشنواره شده است. جایزه کارگردانی در میان شگفتی به سیروس الوند به خاطر کارگردانی پاکیزه اش برای فیلم یکبار برای همیشه رسید. جایزه بهترین فیلمنامه نصیب داریوش مهرجویی برای فیلم سارا شد. فرامرز قریبیان برای بندر مه آلود و فاطمه معتمدآریا برای یکبار برای همیشه جوایز بازیگری را نصیب خود کردند.

فیلم های مجید مجیدی چهار بار عنوان بهترین فیلم جشنواره را از آن خود کرده اند. پدر، بچه های آسمان، رنگ خدا و باران. پس از مجیدی، حاتمی کیا با سه فیلم (مهاجر، از کرخه تا راین و اژانس شیشه ای) در جای بعدی قرار می گیرد. در رتبه های بعد نام های احمد رضا درویش، رخشان بنی اعتماد، رسول ملاقلی پور، داریوش مهرجویی، یدالله صمدی، محسن مخملباف و بهرام بیضایی قرار می گیرند.

### اتحطاط

از سال ۱۳۷۷، به تدریج پایه های اعتبار جشنواره فجر سست شد و با برداشتن شرط منوط بودن اکران عمومی فیلم به نمایش در جشنواره فجر و با برقراری قوانین بازار آزاد بر سینمای ایران بسیاری از آثار شاخص سینمای این سال ها، بدون حضور در جشنواره فجر به اکران عمومی درآمده اند. به عنوان نمونه می توان به فیلم های موفق مثل مرد عوضی، دختری با کفش های کتانی، زیر پوست شهر، شوکران، بودن یا نبودن، آب و آتش و چتری برای دو نفر اشاره کرد که فارغ از داوری جشنواره فجر به اکران عمومی رسیدند و در این میان شایستگی های بسیاری از عوامل این فیلم ها به دور از داوری جشنواره ای قرار گرفت. به عنوان نمونه بازی خوب هدیه تهرانی در شوکران در صورت اکران فیلم در جشنواره سال ۷۸، می توانست خطری جدی برای سیمرغ مبترا حجار باشد. و یا بازی های درخشان لیلا حاتمی و آنیلا پسیانی در آب و آتش می توانست در جشنواره سال ۷۹، عرصه را بر ثریا قاسمی و حسین عابدینی تنگ کنند. همین طور بازی خوب محمدرضا فروتن و گلاب آدینه در زیر پوست شهر. فیلم های شوکران، زیر پوست شهر، دختری با کفش های کتانی و بودن یا نبودن در زمینه سیمرغ های بهترین فیلم و بهترین کارگردانی می توانستند مدعیانی جدی باشند، اما افسوس که...